

ارتباط انسجام خود و عواطف خودآگاه با تعهد زناشویی در زنان متأهل

Relationship between Self-Coherence and Self-Conscious Emotions with Marital Commitment

Mohammad Mehdi Moghadamnia

Assistant Professor, PhD in Psychology, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran.

Email: mohamadmoghadamnia@yahoo.com

BentolHoda Soleimani Farsani

M.A in Family Counseling Department of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran.

محمد مهدی مقدم‌نیا*

استادیار، دکتری تخصصی روان‌شناسی، گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

بنت‌الهدی سلیمانی فارسانی

کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

Abstract

Lack of commitment is a challenge for couples and one of the main reasons for divorce and family breakdown, which creates significant problem for couples, and the purpose of the research was to address this issue by examining the relationship between self-coherence and conscious emotions with marital commitment. A descriptive correlation design was adopted. The sample consist of 160 married female students aged 20 to 65 years studying in Islamic Azad University in Tehran, who were selected by available method. Data collection tools included the Sense of Coherence Scale(SOC), the Test of Self-Conscious Affect(TOSCA) and Marital Commitment Questionnaire(MCQ) and the data were analyzed using Pearson correlation coefficient tests and multiple regression analysis. The results showed that the self-conscious emotion of shame($p<0.05$) and self-coherence ($p<0.01$) have the ability to predict the marital commitment of married women, but the self-conscious emotion of guilt did not contribute to the prediction of marital commitment of married women($p>0.05$). As a result, working on the self-coherence and conscious emotions of couples

چکیده

عدم تعهد، یک چالش برای زوجها و یکی از دلایل عمده طلاق و فروپاشی خانواده است که آشفتگی‌های قابل توجهی را برای زوجین بوجود می‌آورد و هدف پژوهش پرداختن به این مسئله از طریق بررسی ارتباط بین انسجام خود و عواطف خودآگاه با تعهد زناشویی بود. مطالعه حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. ۱۶۰ نفر از زنان متأهل دانشجویی ۲۰ تا ۶۵ سال مشغول به تحصیل در واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی شهر تهران بصورت در دسترس مشارکت کردند. داده‌ها با پرسشنامه‌های حس انسجام (SOC)، عاطفه خودآگاه (TOSCA-2) و تعهد زناشویی (MCQ) جمع‌آوری و با استفاده از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه تحلیل شدند. نتایج نشان داد عاطفه خودآگاه احساس شرم ($p<0.05$) و انسجام خود ($p<0.01$) توانایی پیش‌بینی تعهد زناشویی زنان متأهل را دارند، اما عاطفه خودآگاه احساس گناه سهمی در پیش‌بینی تعهد زناشویی نداشت ($p>0.05$). بصورت کلی عواطف خودآگاه و انسجام خود توانایی تبیین ۲۵٪ از تغییرات تعهد زناشویی را داشتند. در نتیجه کار بر حس انسجام و عواطف خودآگاه زوجین امکان ارتقا تعهد زناشویی و تقویت آن را فراهم می‌آورد.

واژه‌های کلیدی: انسجام خود، عواطف خودآگاه، تعهد زناشویی. provides the possibility of improving and strengthening marital commitment.

Keywords: Self-Coherence, Conscious Emotions, Marital Commitment.

نوع مقاله : پژوهشی	دریافت : فروردین ۱۴۰۱	پذیرش: تیر ۱۴۰۲
--------------------	-----------------------	-----------------

مقدمه

شکندگی پیوند و روابط زناشویی یکی از ویژگی‌های قابل توجه جهان معاصر است و هیچ جامعه‌ای از این ویژگی مبرا نیست. در تعریف خانواده می‌توان گفت: «یک نظام اجتماعی و طبیعی با ساختار عاطفی پیچیده‌ای است که محبت، وفاداری و تداوم عضویت از ویژگی‌های مهم آن است.» (گلدنبرگ^۱ و گلدنبرگ^۲، ۲۰۱۲) و در صورتی که روابط صمیمی بین زوجها خدشه دار شود، عوارض مخرب و منفی در سلامت روانی خانواده و فرزندان ایجاد می‌شود (واعظ، ایندرا^۳، عبدالهی، جوهری و منصور، ۲۰۲۱). مطابق با نظر اندرسون^۴ (۱۹۹۴) نیز تعهد یکی از مؤلفه‌های ازدواج سالم است (به نقل از شروود^۵، ۲۰۰۸). بسیاری از زوجها تفاوت‌های بین خود را به عنوان منشأ جذابیت‌شان یاد می‌کنند، اما پس از گذشت زمان، تمایل برخی از زوجین به پذیرش، تحمل و سازش با تفاوت‌ها کاهش می‌یابد و بالاخره تلاش‌هایی را در جهت تغییر یکدیگر و یا حتی ارتباط با فردی دیگر و روابط فرازناشویی را آغاز خواهند کرد (باراکا^۶ و پولانسکی^۷، ۲۰۲۱). با توجه به این امر که خانواده اولین و مهم‌ترین نظام ارتباطی برای هر فرد به شمار می‌رود و زمینه و بستر مناسبی برای ایجاد سلامت جامعه است و با نظر به آثار و پیامدهای مختلفی که تعارض زناشویی و خیانت زناشویی، بر زندگی خانوادگی دارد و نتایج پژوهش‌های مختلف به آن اشاره کرده‌اند لازم است به مقوله‌هایی همچون تعهد^۸ به رابطه زناشویی که می‌توانند تعیین‌کننده سلامت روان‌شناختی خانواده و کیفیت رابطه زناشویی باشند، توجه ویژه کرد (محمدی، ۱۳۹۵). بنا بر مطالعات هر ازدواج موفق حاوی سه رکن اساسی تعهد، جذب^۹ و تفاهم^{۱۰} است که در این بین تعهد زناشویی^{۱۱} قوی‌ترین و پایدارترین عامل پیش‌بینی‌کننده کیفیت و ثبات زناشویی است (سیگل^{۱۲}، لوین^{۱۳} و سولومون^{۱۴}، ۲۰۱۹؛ موسکو^{۱۵}، ۲۰۰۹). کما اینکه سطوح بالای تعهد زناشویی با ابراز عشق بیشتر، سازگاری^{۱۶} و ثبات^{۱۷} زناشویی بالاتر، مهارت‌های حل مسئله^{۱۸} مناسب‌تر و رضایت زناشویی^{۱۹} رابطه دارد (مسترز^{۲۰}، ۲۰۰۸؛

¹ Goldenberg, H.

² Goldenberg, I.

³ Indran, R.

⁴ Anderson

⁵ Sherwood, E. M.

⁶ Barraca, J.

⁷ Polanski, T. X.

⁸ Commitment

⁹ Attraction

¹⁰ Understanding

¹¹ Marital Commitment

¹² Siegel, A.

¹³ Levin, Y.

¹⁴ Solomon, Z.

¹⁵ Mosko, J.

¹⁶ Compatibility

¹⁷ Stability

¹⁸ Problem solving skills

¹⁹ Marital satisfaction

²⁰ Masters, A.

تیلگمن-اوسبورن^{۲۱} و کول^{۲۲}، ۲۰۰۸). تعهد و ابراز رضایت بالا از رابطه، داشتن نگرش‌های مثبت به همسر و سطوح پایین خصومت و رفتارهای منفی نشان‌دهنده کیفیت زناشویی مطلوب است (رابلز^{۲۳}، اسلاتچر^{۲۴}، ترامبلو^{۲۵} و مک‌گین^{۲۶}، ۲۰۱۴)، که تحت تأثیر ابعاد گوناگون ارتباط زوجین مانند سازگاری، هیجان‌های زوجین و عواطف خودآگاه‌شان و انسجام درونی آن‌هاست (لوئیس^{۲۷} و اسپانییر^{۲۸}، ۱۹۷۹ نقل از امانی و خسروشاهی، ۲۰۲۰).

همانطور که اشاره شد سازه‌های روان‌شناختی مختلفی می‌توانند تعهد و رضایت‌مندی زوجها را تحت تأثیر قرار دهند که از جمله این متغیرها می‌توان به انسجام خود و عواطف خودآگاه اشاره نمود. انسجام خود یکی از ساختارهای پرنفوذ درون‌فردی است که احساس همبستگی درونی را در برمی‌گیرد و پیوند و تعهد عاطفی اعضای خانواده نسبت به هم را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. کاهش انسجام خود ضمن ایجاد تعارضات درونی در فرد، افزایش تعارضات بین‌فردی را نیز در پی دارد (مک‌کیون^{۲۹} و دان^{۳۰}، ۲۰۲۱). فلدمن^{۳۱}، آیناو^{۳۲} و مارگالیت^{۳۳} (۲۰۱۸) دریافتند که انسجام درونی همراه با احساس مسؤلیت‌پذیری متقابل است و در سازگاری با تغییرات زندگی و رویدادهای استرس‌زا نقش بسیار مهمی دارد. در واقع، انسجام سازه‌ای است که نشان‌دهنده جهت‌گیری کلی فرد نسبت به زندگی بوده (گبرینه^{۳۴}، لمپک^{۳۵}، سرواری^{۳۶}، سارواری^{۳۷}، تاکاچ^{۳۸} و زرینی^{۳۹}، ۲۰۱۹) و باعث می‌شود که افراد توان مدیریت تحریک‌های درونی و بیرونی را داشته باشند، انعطاف‌پذیرتر باشند، (کارلن^{۴۰} و دیگران، ۲۰۲۰). از راهبردهای مقابله‌ای سازگار استفاده کنند و با دیگران ارتباط صمیمانه برقرار سازند (بوش^{۴۱}، هوفر^{۴۲}، سولکووا^{۴۳} و تاول^{۴۴}، ۲۰۱۸). تعهد و رضایت زناشویی چون فرایندهایی تطابقی هستند که نیاز به سازگاری با تغییرات زندگی و پیامدهای هیجانی، اجتماعی و روان‌شناختی مختلف ناشی از ازدواج دارند (ون‌دروال^{۴۵}، فینکناور^{۴۶} و ویسر^{۴۷}، ۲۰۱۹) نیز می‌توانند تحت تأثیر انسجام خود باشند، چرا که انسجام خود عاملی برای تجربه احساس اطمینان و تلاش مداوم در زندگی را نشان می‌دهد (آنتونوسکی^{۴۸}، ۱۹۹۳). انسجام خود شناخت‌ها و احساساتی را شامل می‌شود که زندگی را برای فرد بیشتر قابل درک و پذیرش و تحت کنترل و معنی‌دار می‌کنند (آنتونوسکی، ۱۹۹۳). از طرفی عواطف خودآگاه (احساس شرم و گناه) بخشی از واکنش‌پذیری

²¹ Tilghman-Osborne, C.

²² Cole, D. A.

²³ Robles, T. F.

²⁴ Slatcher, R. B.

²⁵ Trombello, J. M.

²⁶ McGinn, M. M.

²⁷ Lewis, R. A.

²⁸ Spanier, G. B.

²⁹ McKeown, P.

³⁰ Dunn, R. A.

³¹ Feldman, D. B.

³² Einav, M.

³³ Margalit, M.

³⁴ Gebrine, K.E.

³⁵ Lampek, K.

³⁶ Sarvary, A.

³⁷ Sarvary, A.

³⁸ Takacs, P.

³⁹ Zrínyi, M.

⁴⁰ Carlen, K.

⁴¹ Busch, H.

⁴² Hofer, J.

⁴³ Solcova, I. P.

⁴⁴ Tavel, P.

⁴⁵ van der Wal, R. C.

⁴⁶ Finkenauer, C.

⁴⁷ Visser, M. M.

⁴⁸ Antonovsky, A.

هیجانی که بعدی از انسجام خود است، می‌باشند (کروز، ۲۰۰۷) بنابراین، متغیر دیگری که می‌تواند تاثیر گذار باشد و در چند سال اخیر مورد توجه بسیاری از محققان قرار گرفته، عواطف خودآگاه است (سالیوان^{۴۹} و فلتز^{۵۰}، ۱۹۹۳). احساس شرم و گناه همبستگی معناداری با سطح کارکرد یک رابطه دارند. احساس شرم و گناه به عنوان عواطف خودآگاه^{۵۱} در نظر گرفته می‌شوند که با «خود» مرتبط هستند. به منظور احساس این هیجانات افراد باید مجموعه‌ای از استانداردها برای ارزیابی رفتارشان داشته باشند (زو^{۵۲} و وانگ^{۵۳}، ۲۰۰۹). این احتمال وجود دارد، که هنگام افزایش تعارض و در نتیجه تعاملات اختلاف برانگیز بین زوجین، تجربه احساسات شرم و گناه افزایش یابد. احساس گناه به عنوان هیجانی ناشی از ناکامی توصیف شده است، جایی که فرد احساس اضطراب، ترس و عصبانیت می‌کند و این نیاز را احساس می‌کند که برای جبران باید به گونه‌ای رفتار کند که استانداردهای اخلاقی درونی را نقض نکند. تمرکز احساس گناه بر رفتار است، بالعکس در احساس شرم، تمرکز روی خود به عنوان یک کل است. مطابق با دیدگاه کافمن^{۵۴} (۲۰۰۴) شرم در روابط خانوادگی پرورش داده می‌شود و روی ادراکات از روابط زناشویی تاثیر می‌گذارد؛ انسان‌ها موجودات اجتماعی هستند که نیاز دارند به همکاران اعتماد و اتکاء کنند، احساس شرم در بافت شکستن یک اعتماد و حمایت بین فردی گسترش پیدا می‌کند (برونو^{۵۵}، لتواک^{۵۶} و آگین^{۵۷}، ۲۰۰۹). نتایج پژوهش ترنر^{۵۸} و اسکالرت^{۵۹} (۲۰۰۱) و رتزیگر^{۶۰} (۱۹۹۱) نشان می‌دهند که زنانی که نگران تجربه صمیمیت و عدم ثبات در زندگی زناشویی هستند، شرم بیشتری را احساس می‌کنند. از آنجایی که احساسات شرم و گناه هیجان‌آمی هستند که بعد از شکست در تعاملات دیده می‌شوند، قابل تصور است که احساس شرم و گناه بخشی از واکنش‌پذیری هیجانی که بعدی از انسجام خود است، باشند (کروز، ۲۰۰۷). بنابراین، نظر به نقش مهمی که عواطف خودآگاه (احساس شرم و گناه) و انسجام خود در بهبود روابط زناشویی دارند، می‌توان این سازه‌های روان‌شناختی را از جمله عوامل مهم در تعهد و رضایت‌مندی زناشویی و افزایش کیفیت زندگی زناشویی محسوب کرد؛ بنابراین تعیین نقش هر یک از این عوامل و تاثیر مشترک آن‌ها بر تعهد زناشویی زنان ضروری به نظر می‌رسد.

بر همین اساس برای ایجاد و بهبود روابط زناشویی و استحکام خانواده پژوهش حاضر با هدف ارتباط انسجام خود و عواطف خودآگاه با تعهد زناشویی در زنان متأهل انجام می‌شود. نتایج حاصل می‌تواند فراهم کننده‌ی زمینه‌ی لازم برای طراحی و اجرای برنامه‌های مداخله‌ای جهت افزایش تعهد زناشویی باشد.

روش

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش را زنان متأهل دانشجوی ۲۰ تا ۶۵ سال مشغول به تحصیل در واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی شهر تهران تشکیل دادند که از این بین تعداد ۱۶۰ نفر به شیوه در دسترس انتخاب شدند. شیوع بیماری همه‌گیر کووید-۱۹ مزید علت بر انجام نمونه‌گیری به صورت اینترنتی و از طریق شبکه‌های مجازی شد. حجم نمونه بر اساس فرمول پیشنهادی تاباچنیک و فیدل (۲۰۰۷) با حداقل حجم نمونه در مطالعات همبستگی از فرمول

⁴⁹ Sullivan, P.

⁵⁰ Feltz, D. L.

⁵¹ Self-Conscious Emotions

⁵² Zou, Z.

⁵³ Wang, D.

⁵⁴ Kauffman, G.

⁵⁵ Bruno, S.

⁵⁶ Lutwak, N.

⁵⁷ Agin, M. A.

⁵⁸ Turner, J. E.

⁵⁹ Schallert, D. L.

⁶⁰ Retzinger, S. M.

$N \geq 50 + 8M$ (حداقل حجم نمونه و M تعداد متغیرهای پیش‌بین $M=3$ / $(N \geq 50 + 8(3)) = 74$) محاسبه شد. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل جنسیت مؤنث، تمایل به شرکت در پژوهش، حداقل گذشت ۱ سال از زمان ازدواج، عدم اقدام حقوقی برای طلاق و عدم اعتیاد به مواد مخدر یا محرک بود. ملاک‌های خروج از پژوهش نیز شامل عدم تمایل به ادامه شرکت در پژوهش، پاسخگویی ناقص به سؤالات پرسشنامه‌ها و تحت درمان روان‌پزشک یا روان‌درمان‌گر بود.

در ابتدا پس از کسب مجوز لازم از شورای پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، لیستی از دانشجویان مشغول به تحصیل در آن دانشگاه تهیه و با انجام هماهنگی‌های لازم برای برقراری ارتباط با آنان و توضیح هدف پژوهش، حفظ محرمانگی داده‌ها و اعلام اختیاری بودن شرکت در پژوهش، پرسشنامه‌ها به صورت اینترنتی و از طریق شبکه‌های مجازی برای مشارکت-کنندگان ارسال شد. در انتها پس از کنار گذاشتن پرسشنامه‌های مخدوش و ناقص، تعداد ۱۶۰ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. جمع‌آوری داده‌ها با ابزارهای زیر انجام شد:

مقیاس حس انسجام^{۶۱} (SOC): نسخه اولیه پرسشنامه حس انسجام را آرون آنتونوسکی (۱۹۹۳) در سان فرانسیسکو ارائه کرد که دارای دو فرم ۲۹ ماده‌ای و ۱۳ ماده‌ای می‌باشد. در این پژوهش از فرم ۱۳ ماده‌ای استفاده شد. در ایران فرم ۱۳ ماده‌ای توسط محمدزاده (۲۰۱۰) اعتباریابی شده که با ضریب آلفای ۰/۷۷ معتبر بوده است. در پژوهش حاضر، ضریب اعتبار این مقیاس به روش آلفای کرونباخ برای کل سؤالات مقیاس ۰/۷۴ به دست آمد.

آزمون عاطفه خودآگاه^{۶۲} (TOSCA-2): این آزمون توسط تانگنی، واگنر^{۶۳} و گرمز^{۶۴} (۱۹۹۲) تدوین شده است. آزمون عاطفه خودآگاه یک ابزار خودسنجی و مداد کاغذی است که ۱۶ موقعیت (سناریو) شرایط زندگی روزمره را به آزمودنی ارائه می‌کند. در این پرسشنامه علاوه بر عاطفه خودآگاه، خرده مقیاس‌های صفت شرم و گناه زوج‌ها نیز مورد بررسی قرار گرفت. اعتبار و روایی این آزمون در ایران در پژوهش زارعی و همکاران (۱۳۹۰) ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های شرم و گناه به ترتیب ۰/۸۰ و ۰/۸۲ به دست آمد. در پژوهش حاضر، ضریب اعتبار این آزمون به روش آلفای کرونباخ برای کل سؤالات آزمون ۰/۷۸ و برای مقیاس‌های شرم و گناه به ترتیب ۰/۸۰ و ۰/۷۷ به دست آمد.

پرسشنامه تعهد زناشویی^{۶۵} (MCQ): این پرسشنامه توسط آدامز^{۶۶} و جونز^{۶۷} (۱۹۹۷) تهیه و تدوین شده است که میزان پای‌بندی افراد به همسر و ازدواج‌شان و ابعاد آن را اندازه‌گیری می‌کند. این پرسشنامه شامل ۴۴ سؤال می‌باشد که سه بعد تعهد زناشویی شامل تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری را اندازه‌گیری می‌کند. در مطالعه‌ای مقدماتی توسط عباسی (۱۳۸۸) روایی محتوایی این آزمون مورد تأیید قرار گرفت. در اعتباریابی آزمون توسط شاه‌سیاه، بهرامی و محبی (۱۳۸۸) روایی محتوا توسط اساتید مشاوره دانشگاه اصفهان تأیید شد و آلفای کرونباخ ۰/۸۵ به دست آمد. در پژوهش حاضر، ضریب اعتبار این پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ برای کل سؤالات پرسشنامه ۰/۷۹ به دست آمد.

پس از جمع‌آوری اطلاعات، داده‌های به دست آمده با استفاده از نرم‌افزار SPSS^{۲۴} و با بهره‌گیری از شاخص‌های آمار توصیفی (فراوانی، درصد فراوانی، میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره)، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان تجزیه و تحلیل شدند.

⁶¹ Sense of Coherence (SOC)

⁶² Test Of Self-Conscious Affect-2 (PFQ-2)

⁶³ Wagner, P. E.

⁶⁴ Gramzow, R.

⁶⁵ Marital Commitment Questionnaire (MCQ)

⁶⁶ Adams, J. M.

⁶⁷ Jones, W. H.

یافته‌ها

در جدول ۱ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه مورد مطالعه نشان داده شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های متغیرهای جمعیت‌شناختی نمونه

درصد	فراوانی		
۱۵/۶	۲۵	سال ۲۵-۲۰	سن
۱۹/۴	۳۱	سال ۳۰-۲۶	
۲۵	۴۰	سال ۳۵-۳۱	
۱۵	۲۴	سال ۴۰-۳۶	
۱۰	۱۶	سال ۴۵-۴۱	
۸/۱	۱۳	سال ۵۰-۴۶	
۵/۶	۹	سال ۵۵-۵۱	
۱/۳	۲	سال ۶۵-۶۱	
۱۱/۹	۱۹	حقوق	رشته تحصیلی
۷/۵	۱۲	علوم پایه	
۲۰	۳۲	علوم رفتاری	
۲۰	۳۲	علوم اجتماعی	
۱۸/۸	۳۰	زبان و ادبیات	
۷/۵	۱۲	حسابداری	
۲/۵	۴	اقتصاد	
۱۱/۹	۱۹	سایر رشته‌ها	
۳/۸	۶	کاردانی	مقطع تحصیلی
۴۷/۵	۷۶	کارشناسی	
۳۱/۳	۵۰	کارشناسی ارشد	
۱۷/۵	۲۸	دکتری تخصصی	
۷/۵	۱۲	کمتر از ۱۸ سال	سن هنگام ازدواج
۲۶/۳	۴۲	بین ۱۸ تا ۲۳ سال	
۳۱/۹	۵۱	بین ۲۴ تا ۲۹ سال	
۲۵	۴۰	بین ۳۰ تا ۳۵ سال	
۹/۴	۱۵	بیشتر از ۳۵ سال	
۹/۴	۱۵	زیر دیپلم	تحصیلات همسر
۱۸/۱	۲۹	دیپلم	
۷/۵	۱۲	فوق دیپلم	
۴۰	۶۴	لیسانس	
۱۹/۴	۳۱	فوق لیسانس	

۵/۶	۹	دکتر	
۲۷/۵	۴۴	بین ۱ تا ۵ سال	مدت زمان گذشتن از ازدواج
۳۲/۵	۵۲	بین ۶ تا ۱۰ سال	
۱۶/۹	۲۷	بین ۱۱ تا ۱۵ سال	
۱۲/۵	۲۰	بین ۱۶ تا ۲۰ سال	
۱۰/۶	۱۷	بیشتر از ۲۰ سال	
۲۸/۸	۴۶	بدون فرزند	تعداد فرزندان
۴۶/۳	۷۴	۱ فرزند	
۱۹/۴	۳۱	۲ فرزند	
۵/۶	۹	۳ فرزند	
۰/۶۳	۱	بیشتر از ۳ فرزند	
۲۶/۹	۴۳	خوب	وضعیت اجتماعی - اقتصادی
۴۸/۸	۷۸	متوسط	
۲۴/۴	۳۹	ضعیف	

همانطور که نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد درصد بیشتر از دانشجویان زن متأهل گروه نمونه در دامنه سنی ۳۱ تا ۳۵ سال قرار داشتند (۲۵ درصد)، اکثراً در رشته‌های حوزه علوم رفتاری (۲۰ درصد) و علوم اجتماعی (۲۰ درصد) و مقطع کارشناسی (۴۷/۵ درصد) مشغول به تحصیل بودند. اکثریت گزارش کردند که بین سنین ۲۴ تا ۲۹ سال ازدواج کرده‌اند (۳۱/۹ درصد). تحصیلات همسر اکثر آنان در سطح لیسانس بود (۴۰ درصد) و اغلب بین ۶ تا ۱۰ سال از زمان ازدواج آنان گذشته بود (۳۲/۵ درصد). درصد بیشتری گزارش نمودند که فقط ۱ فرزند دارند (۴۶/۳ درصد) و وضعیت اقتصادی اجتماعی خود را در سطح متوسط ارزیابی کرده بودند (۴۸/۸ درصد). اطلاعات توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار، کجی و کشیدگی) نمرات افراد مورد مطالعه بر حسب متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
عواطف خودآگاه	۴۹/۶۶	۱۰/۵۶	۰/۳۲۰	۰/۱۳۲
	۵۹/۲۶	۹/۷۸	-۰/۴۴۲	۰/۳۹۹
انسجام خود	۴۴/۹۶	۸/۲۹	-۱/۰۹	۰/۷۸۳
تعهد زناشویی	۱۵۸/۳۷	۲۴/۴۴	۰/۹۱۷	۱/۱۹

همان طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، کجی و کشیدگی تمامی متغیرها نیز بین ۲- تا ۲ قرار داشت که نشان‌دهنده نرمال بودن داده‌ها است.

جدول ۳. ضرایب همبستگی عواطف خودآگاه و انسجام خود با تعهد و رضایت‌مندی زناشویی

متغیرهای ملاک			شاخص‌های آماری متغیرهای پیش‌بین
تعهد زناشویی			
n	p	r	
۱۶۰	$p < ۰/۰۱$	-۰/۳۶	احساس شرم
۱۶۰	$p < ۰/۰۱$	۰/۲۷	احساس گناه
۱۶۰	$p < ۰/۰۱$	۰/۴۶	انسجام خود

نتایج ضریب همبستگی پیرسون (جدول ۳) نشان داد که عاطفه خودآگاه شرم با تعهد زناشویی ($r = -۰/۳۶, p < ۰/۰۱$) زنان متأهل رابطه منفی معنی‌دار دارد، در حالی که عاطفه خودآگاه گناه با تعهد زناشویی ($r = ۰/۲۷, p < ۰/۰۱$) زنان متأهل رابطه مثبت معنی‌دار دارد. انسجام خود نیز با تعهد زناشویی ($r = ۰/۴۶, p < ۰/۰۱$) رابطه مثبت معنی‌دار داشت. در جدول ۴ نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان جهت بررسی توان عواطف خودآگاه و انسجام خود در پیش‌بینی تعهد زناشویی ارائه شده است.

جدول ۴. تحلیل رگرسیون توان عواطف خودآگاه و انسجام خود در پیش‌بینی تعهد زناشویی

خلاصه مدل‌ها				P-value	t	Beta	متغیرهای پیش‌بین	متغیرهای ملاک
P-value	F	R ²	R					
				۰/۰۱۱	-۲/۵۷	-۰/۱۵	احساس شرم	
۰/۰۰۱	۷/۳۸	۰/۲۵	۰/۵۰	۰/۲۷۵	۱/۰۹	۰/۰۷	احساس گناه	تعهد زناشویی
				۰/۰۰۱	۳/۵۲	۰/۱۹	انسجام خود	

نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان (جدول شماره ۴) نشان داد که بین عواطف خودآگاه و انسجام خود با تعهد زناشویی همبستگی چندگانه $۰/۵۰$ ($R = ۰/۵۰, p < ۰/۰۰۱$) وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که عواطف خودآگاه و انسجام خود در مجموع ۲۵٪ از کل واریانس تعهد زناشویی ($R = ۰/۲۵, p < ۰/۰۰۱$) را تبیین می‌کنند. ضرایب Beta جهت نشان دادن نقش اصلی هر متغیر نشان داد که در درجه اول انسجام خود ($Beta = ۰/۱۹, p < ۰/۰۱$) توانایی پیش‌بینی تعهد زناشویی را دارد، بعد از آن عاطفه خودآگاه احساس شرم ($Beta = -۰/۱۵, p < ۰/۰۵$)، ولی عاطفه خودآگاه احساس گناه نقش معنی‌داری در پیش‌بینی تعهد زناشویی نداشت ($p > ۰/۰۱$).

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین انسجام خود و عواطف خودآگاه با تعهد زناشویی انجام شد. همراستا با یافته‌های پیشین همچون حاجی و خادم‌مسجدی، ۱۳۹۹؛ رباطی و نامنی، ۱۳۹۹؛ تان و همکاران، ۲۰۲۱؛ زلیینسکا-ویچکوفسکا و ساس، ۲۰۲۰؛ یافته‌های ما نیز بیانگر این بود که انسجام خود با تعهد زناشویی زنان متأهل رابطه مثبت دارد و پیش‌بینی‌کننده تعهد زناشویی آنان هست. همانند نظریه خاستگاه سلامت آنتونوسکی (۱۹۹۳) زنانی که از احساس انسجام بالاتری برخوردارند؛ در برابر فشار روانی و آشفتگی زناشویی مقاوم‌تر و کارآمدتر هستند و احتمال آسیب‌پذیری آن‌ها در شرایط استرس‌زا کاهش می‌یابد.

زیرا توانایی پذیرش شرایط را دارند و با بکارگیری توانمندی خود موقعیت را مدیریت کرده و به زندگی معنا می‌بخشند. در نتیجه این سازه شخصیتی موجب تغییر نگرش فرد نسبت به وقایع استرس‌زا و تجربه کمترین هیجان منفی می‌شود همچنین منابع انرژی درونی فرد به جای این که صرف تعدیل هیجانات منفی شود در جهت بهبود شرایط و ایجاد سازگاری هدایت می‌شود که با ایجاد رضایت از زندگی در نهایت تعهد و موفقیت در یک رابطه را نیز به ارمغان می‌آورد. آنتونوسکی (۱۹۹۳) معتقد است حس انسجام به دلیل اینکه حس شناخت را ایجاد و تقویت می‌کند، باعث می‌شود افراد هیجانات و رویدادهایی را که در زندگی متحمل می‌شوند، بهتر درک کرده و بپذیرند و در جهت مقابله ذهنی با چالش‌های احتمالی زندگی زناشویی کمک کرده و کاهش استرس را در جهت هم‌سویی با سلامت روابط مدیریت کند.

عاطفه خودآگاه احساس شرم با تعهد زناشویی رابطه منفی معنادار و عاطفه خودآگاه احساس گناه با تعهد زناشویی رابطه مثبت معنادار داشت که این یافته‌های پژوهش‌های دیگر (کارگر و همکاران، ۱۳۹۸؛ کلیفورد، ۲۰۱۳؛ لویس، ۲۰۰۸؛ ۱۹۷۱) همسو است. اما بر خلاف رابطه مثبت احساس گناه با تعهد زناشویی پژوهش‌های زارعی و حسینقلی (۱۳۹۳) و زارعی و همکاران (۱۳۹۰) حاکی از این بودند که بین احساس گناه با تعهد و سازگاری زناشویی رابطه معناداری وجود ندارد، در تبیین این ناهم‌سویی می‌توان به مطالعه تانگنی و دیرینگ استناد کرد که بیان می‌دارد احساس شرم موجب جدایی همسران از یکدیگر می‌شود و به ارتباطات آن‌ها آسیب می‌رساند (تانگنی و دیرینگ، ۲۰۰۲). در پژوهش‌ها اشاره شده است که در تجربیات شرم جنبه‌های مختلف روان با هم در تعارض هستند، شرم از اختلاف بین خود و خودآرمانی به وجود می‌آید و باعث ایجاد تداخل در رفتار، تفکر و صحبت کردن می‌شود (یونگ، ۲۰۰۵). زنان اغلب در نتیجه شرم دچار افسردگی می‌شوند و مردان از خود پرخاشگری نشان می‌دهند (لتواک و همکاران، ۲۰۰۳). زمانی افراد برای چگونگی احساس در مورد خود و سازگار شدن به‌منظور ایجاد یک رابطه ایمن نیازمند تصدیق همسر خود می‌شوند، احساس شرم در آن‌ها ایجاد می‌شود و نمی‌توانند در رابطه خود با همسر احساس امنیت کنند (بلیور و گلن، ۲۰۰۷). کوورت و همکاران (۲۰۰۳) دریافته‌اند، افرادی که مستعد شرم هستند به احتمال قوی‌تری مشکلات روانشناختی و بین‌فردی را تجربه می‌کنند. مطالعه ترنر و اسکالرت (۲۰۰۱) نشان داد، زنانی که نگران تجربه صمیمیت در روابط زناشویی هستند، شرم بیشتری را تجربه می‌کنند و از آنجا که صمیمیت یکی از ابعاد مهم در تعهد و رضایت زناشویی است، هرچه زنان صمیمیت بیشتری را تجربه کنند، احساس شرم و گناه در آنان کمتر می‌شود و به تبع آن تعهد و سازگاری زناشویی بیشتری خواهند داشت. با این حال مشخص شده است که احساس گناه یک پایه و اساس مناسب برای افراد مسئولیت‌پذیر است که باعث افزایش رضایت و تعهد آنان به روابطشان می‌شود (اکباگ و ایمامگلو، ۲۰۱۰). زمانی که فرد در یک رابطه تصور کند که طرف مقابلش هزینه زیادی در رابطه داشته و پاداش زیادی را فراهم کرده و زمان و انرژی زیادی برای رابطه مشترک‌شان مصرف کرده یا برعکس خودش در رابطه سرمایه‌گذاری زیادی داشته و وقت و انرژی زیادی را صرف کرده است، بنابراین از تصمیم یا فکر به این که رابطه را رها کند یا یک رابطه دیگر با فردی سوم خارج از خانه برقرار نماید احساس عذاب وجدان یا گناه به او دست می‌دهد و از فکر و خیال خود متأثر می‌شود (اصلائی و همکاران، ۱۳۹۶). بنابراین می‌توان احساس گناه را به عنوان محرکی برشمرد که توانایی جلوگیری از بدکارکردی زناشویی و عدم تعهد را فراهم می‌کند. البته می‌توان رابطه مثبت احساس گناه با تعهد زناشویی را با عوامل فرهنگی نیز مرتبط دانست، برای مثال احساس گناه در فرهنگ ما امری مثبت و قابل پذیرش محسوب می‌شود. در واقع، ما احساس گناه یا همان عذاب وجدان را راهی برای کنار گذاشتن یا انجام ندادن بسیاری از تخطی‌های اخلاقی می‌نگریم و نحوه نگرش افراد جامعه ما به احساس گناه با دید جوامع غربی در این حیطه متفاوت است. به عنوان مثال در جامعه ما افرادی که از زندگی زناشویی خود ناراضی و به آن تعهد ندارند، از اینکه نمی‌توانند با همسر خود رابطه صمیمی برقرار کنند و یا به او خیانت می‌کنند دچار حس عذاب وجدان یا همان احساس گناه می‌شوند و همین احساس، زمینه را برای درمان و به دنبال راهکار بودن فراهم می‌کند (عبداللهی و همکاران، ۱۳۹۶).

لذا نباید از نقش مداخله و آموزش به ویژه آموزش‌های متمرکز بر حس انسجام روانی و تقویت مهارت خودآگاهی در زمینه عواطف خودآگاه در زوجین غافل شد چراکه حس انسجام و خودآگاهی از عواطف پاسخ‌های افراد را در موقعیت‌های مختلف زندگی زناشویی بخصوص مواقع بحرانی تحت تأثیر قرار می‌دهد و می‌تواند زمینه انعطاف‌پذیری افراد در این مواقع را فراهم کند. توصیه می‌شود این موارد در مشکلات زوجین و مداخلات و آموزش به آن‌ها در نظر گرفته شود.

منابع

- [۱] حاجی، ح.، و خادم‌مسجدی، ح. (۱۳۹۹). رابطه احساس انسجام روانی، تمایز یافتگی و شادکامی با کیفیت زندگی معلمان زن مقطع متوسطه شهرستان دزفول. پژوهش در هنر و علوم انسانی، ۵(۷)، ۴۵-۵۲.
- [۲] خواجه، ا. ح.، بهرامی، ف.، فاتحی‌زاده، م.، عابدی، م. ر.، سجادیان، پ. (۱۳۹۲). اثر بخشی آموزش شادمانی به روش شناختی- رفتاری بر کیفیت زندگی زناشویی مردان و زنان متأهل. دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۱۴(۵۳)، ۲-۱۱.
- [۳] رباطی، م.، و نامنی، ا. (۱۳۹۹). رابطه سرزندگی و احساس انسجام روانی با کیفیت زندگی کاری پرستاران: نقش واسطه‌ای خودتمایز یافتگی. مجله دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، ۲۷(۶)، ۷۴۴-۷۵۱.
- [۴] زارعی، س.، فرحبخش، ک.، و اسماعیلی، م. (۱۳۹۰). تعیین سهم خودتمایز سازی، اعتماد، شرم و گناه در پیش بینی سازگاری زناشویی. فصلنامه دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، ۴۵، ۵۱.
- [۵] زارعی، س.، و حسینقلی، ف. (۱۳۹۳). پیش‌بینی تعهد زناشویی بر پایه عواطف خودآگاه (شرم و گناه) و تمایز یافتگی خود در دانشجویان متأهل. مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۴(۱)، ۱۳۳-۱۱۳.
- [۶] عباسی، ر.، رسول‌زاده طباطبایی، ک. (۱۳۸۸). رضایت مندی زناشویی و تفاوت‌های فردی: نقش عوامل شخصیتی. مجله علوم رفتاری، ۳(۳)، ۷۳-۸۹.
- [۷] عبداللهی، ن.، جزینی، ش.، امان‌الهی، ع.، و اصلانی، خ. (۱۳۹۶). بررسی رابطه‌ی بین بدکارکردی جنسی و عواطف خودآگاه. اندیشه و رفتار، ۱۲(۴۳)، ۳۷-۴۶.
- [۸] کارگر، داوودی و مظفری (۱۳۹۸) به پیش‌بینی رضایت جنسی زنان بر اساس احساس شرم و گناه و دشواری در تنظیم هیجان. فصلنامه زن و جامعه، ۱۰(۳)، ۱۱۵-۱۲۶.
- [۹] محمدی، س. (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش مبتنی بر تغییر سبک زندگی بر بهبود عواطف منفی (شرم و گناه) و انسجام و کیفیت رابطه زناشویی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره خانواده، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- [10] Adams, J. M., & Jones, W. H. (1997). The conceptualization of marital commitment: An integrative analysis. *Journal of personality and social psychology*, 72(5), 1177.
- [11] Akbag, M., & Imamoglu, S. E. (2010). The prediction of gender and attachment styles on shame, guilt, and and
- [12] Antonovsky, A. (1993). The structure and properties of the sense of coherence scale. *Social science & medicine*, 36(6), 725-733.
- [13] Barraca, J., & Polanski, T. X. (2021). Infidelity treatment from an integrative behavioral couple therapy perspective: Explanatory model and intervention strategies. *Journal of Marital and Family Therapy*, 47(4), 909-924.
- [14] Bruno, S., Lutwak, N., & Agin, M. A. (2009). Conceptualizations of guilt and the corresponding relationships to emotional ambivalence, self-disclosure, loneliness and alienation. *Personality and Individual Differences*, 47(5), 487-491.
- [15] Busch, H., Hofer, J., Šolcová, I. P., & Tavel, P. (2018). Generativity affects fear of death through ego integrity in German, Czech, and Cameroonian older adults. *Archives of Gerontology and Geriatrics*, 77, 89-95.
- [16] Carlén, K., Suominen, S., Lindmark, U., Saarinen, M. M., Aromaa, M., Rautava, P., & Sillanpää, M. (2020). Sense of coherence predicts adolescent mental health. *Journal of Affective Disorders*, 274, 1206-1210.
- [17] Clifford, C. E. (2013). Attachment and covert relational aggression in marriage with shame as a potential moderating variable: A two wave panel study. Brigham Young University.
- [18] Covert, M. V., Tangney, J. P., Maddux, J. E., & Heleno, N. M. (2003). Shame-proneness, guilt-proneness, and interpersonal problem solving: A social cognitive analysis. *Journal of social and clinical psychology*, 22(1), 1.

- [19] Feldman, D. B., Einav, M., & Margalit, M. (2018). Does family cohesion predict Children's effort? The mediating roles of sense of coherence, Hope, and loneliness. *The Journal of psychology, 152*(5), 276-289.
- [20] Goldenberg, H., & Goldenberg, I. (2012). *Family therapy: An overview*. CA: Brooks/Cole.
- [21] Kaufman, G. (2004). *The psychology of shame: Theory and treatment of shame-based syndromes*. Springer Publishing Company.
- [22] Keicoat, G., & Janice, K. (2005). Hostile marital interaction. *Archive General psychology, 62*, 112-122.
- [23] Kruse, N. (2007). *The relationship between self differentiation and the levels of trust, shame, and guilt in intimate relationships*. Alliant International University, Los Angeles.
- [24] Lewis, H. B. (1971). Shame and guilt in neurosis. *Psychoanalytic review, 58*(3), 419-438.
- [25] McKeown, P., & Dunn, R. A. (2021). A 'life-style choice' or a philosophical belief?: the argument for [23] veganism and vegetarianism to be a protected philosophical belief and the position in england and wales. *Liverpool Law Review, 42*(2), 207-241.
- [26] Masters, A. (2008). Marriage, commitment and divorce in a matching model with differential aging. *Review of Economic Dynamics, 11*(3), 614-628.
- [27] Mosko, J. (2009). *Commitment and attachment dimensions. partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy: Purdue University*.
- [28] Retzinger, S. M. (1991). The role of shame in marital conflict. *Perspectives on Social Problems, 3*.
- [29] Robles, T. F., Slatcher, R. B., Trombello, J. M., & McGinn, M. M. (2014). Marital quality and health: a meta-analytic review. *Psychological bulletin, 140*(1), 140.
- [30] Sherwood, E. M. (2008). *Marital strength in Canadian military couples: A ground theory approach*. unpublished doctoral dissertation, University of Calgary.
- [31] Siegel, A., Levin, Y., & Solomon, Z. (2019). The role of attachment of each partner on marital adjustment. *Journal of Family Issues, 40*(4), 415-434.
- [32] Sullivan, P., & Feltz, D. L. (2003). The preliminary development of the Scale for Effective Communication in Team Sports (SECTS). *Journal of Applied Social Psychology, 33*(8), 1693-1715.
- [33] Tan, J. Y., Tam, W. S. W., Goh, H. S., Ow, C. C., & Wu, X. V. (2021). Impact of sense of coherence, resilience and loneliness on quality of life amongst older adults in long-term care: A correlational study using the salutogenic model. *Journal of advanced nursing, 77*(11), 4471-4489.
- [34] Tangney, J. P. & Dearing, R. L. (2002). *Shame and Guilt*. New York & London: The Guilford Press.
- [35] Tangney, J. P., & Dearing, R. L. (2002). *Shame & guilt*. The Guilford Press: New York, London.
- [36] Tangney, J. P., & Dearing, R. L. (2003). *Shame and guilt*. Guilford Press.
- [37] Tangney, J. P., Wagner, P. E., & Gramzow, R. (1989). *The test of self-conscious affect*. Fairfax, VA: George Mason University.
- [38] Tilghman-Osborne, C., Cole, D. A., Felton, J. W., & Ciesla, J. A. (2008). Relation of guilt, shame, behavioral and characterological self-blame to depressive symptoms in adolescents over time. *Journal of Social and Clinical Psychology, 27*(8), 809-842.
- [39] Turner, J. E., & Schallert, D. L. (2001). Expectancy-value relationships of shame reactions and shame resiliency. *Journal of educational psychology, 93*(2), 320.
- [40] van der Wal, R. C., Finkenauer, C., & Visser, M. M. (2019). Reconciling mixed findings on children's adjustment following high-conflict divorce. *Journal of child and family studies, 28*(2), 468-478.
- [41] Young, J. E., Klosko, J. S., & Weishaar, M. E. (2006). *Schema therapy: A practitioner's guide*. Guilford Press.
- [42] Zielińska-Więczkowska, H., & Sas, K. (2020). The Sense of Coherence, Self-Perception of Aging and the Occurrence of Depression Among the Participants of the University of the Third Age Depending on Socio-Demographic Factors. *Clinical Interventions in Aging, 15*, 1481.

- [43] Zou, Z., & Wang, D. (2009). Guilt versus shame: Distinguishing the two emotions from a Chinese perspective. *Social Behavior and Personality: an international journal*, 37(5), 601-604.